

# تحلیل جرم‌شناخته جایگاه ورزش در پیشگیری اجتماعی از جرائم

لیلانعمتی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و وکیل پایه یک دادگستری

**چکیده**  
جرائم و ناهنجاری‌ها از مهم‌ترین چالش‌های فرا روی جوامع کنونی است. یافته‌های عمومی تحقیقات و پژوهش‌ها و در حوزه تخصصی آن آموزه‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی حاکی از این امر است که واکنش کیفری و کاربست صرف حقوق جزا، جهت تحدید و کنترل بزهکاری کارآمدی کامل و جامعی ندارد. بنابراین، جهت کاهش میزان جرم و جنایت، استفاده از تدابیر غیرکیفری و اقدامات اجتماعی، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. پیشگیری اجتماعی و به ویژه رویکرد جامعه‌مدار آن با ابتنا بر ابزارهای مختلف از جمله بهره‌گیری از نهاد ورزش و تربیت بدنی می‌تواند در پیشگیری اجتماعی از ناهنجاری‌ها، نقش در خور توجهی ایفا نماید. نتایج مثبت و سازنده ورزش با بسیاری از یافته‌ها و آموزه‌های نظریه‌های جرم‌شناسی دارای تعامل و هم‌سویی است. جهت تبیین نقش بازدارنده ورزش و تربیت بدنی از بزهکاری می‌توان به نظریه‌های جرم‌شناسی از جمله نظریه فشار، کنترل اجتماعی، نظریه‌های خرده فرهنگی، تئوری ناکامی- پرخاشگری، نظریه معاشرت‌های افتراقی، فرصت‌های ترجیحی و نظریه علایق کانونی استناد کرد.

**کلیدواژه‌ها:** پیشگیری اجتماعی، ورزش، بزهکاری، نظریه‌های جرم‌شناسی

## مقدمه

بزهکاری از جمله آسیب‌های اجتماعی است که امنیت و سلامت قضایی جامعه را به‌طور جدی، دچار مشکل می‌کند. در این بین، مباحث پیشگیری از جرم از جمله مسائلی است که ذهن بسیاری از اندیشمندان و حقوق‌دانان را به خود معطوف ساخته و در این راستا جرم‌شناسان نظریات و راهکارهای مختلفی ارائه کرده‌اند که هر یک به سهم خود می‌تواند در غنای تدابیر پیشگیرانه از بزهکاری مؤثر واقع شود. مطابق آموزه‌های جرم‌شناختی، فقط با اتکای بر تدابیر کیفری و مجازات مجرمان نمی‌توان به کاهش نرخ جرائم در اجتماع امید بست. به عبارت دیگر، ساختار هر اجتماع نظام‌مندی بر هنجارها و ارزش‌هایی مبتنی گشته است که توسط ابزارهای مختلف به حفظ آن می‌پردازد. لذا «هر جامعه‌ای هنجارهای اجتماعی<sup>۱</sup> و گاهی قانونی را برای خود می‌شناسد» (حسینی، ۱۳۹۳: ۴۹) اما صرف وضع قوانین و تهدید به مجازات به خاطر نقض قانون، یا استفاده از حقوق جزا برای تحکیم ارزش‌های اجتماعی<sup>۲</sup>، به تنهایی کافی نیست (کلارکسون، ۱۳۷۴: ۸۵) - لذا راهکارهای اجتماعی



که بتوانند از وقوع جرائم پیشگیری کنند، بیش از اقدامات اربابی و کیفری مورد اقبال قرار گرفته‌اند. از جمله ابزارهایی که می‌تواند در پیشگیری اجتماعی از جرائم نقش بسزایی ایفا کند، گسترش «تربیت‌بدنی و ورزش» در سطوح مختلف جامعه است. بنابراین، در بازدارندگی از جرائم، نقش نهاد مهمی چون تربیت بدنی و ورزش در خور تأمل است. لذا با توجه به خلأ مطالعاتی در این زمینه، در این نگاشته تلاش بر این است که جایگاه ورزش در پیشگیری از بزهکاری و کج‌رفتاری تشریح گردد. بدین منظور، ابتدا شرح مختصری از مفاهیم و چارچوب نظری ارائه می‌گردد و سپس با استفاده از نظریه‌های مطرح در جرم‌شناسی، به چگونگی تبیین نقش بازدارنده ورزش از جرائم پرداخته می‌شود.

### چارچوب نظری

#### الف- تعریف جرم و بزهکاری

جرائم از بفرنج‌ترین اشکال آسیب‌های اجتماعی هستند که به‌صورت نقض هنجارهای نهادینه شده و استعاره‌های پذیرفته‌شده جامعه ظهور می‌کنند. تعریف جرم در هر اجتماعی مطابق با فرهنگ آن جامعه و توسط مقنن ارائه می‌گردد. باید اذعان داشت که تعریف جرم نسبت به مکان یعنی جوامع و نسبت به زمان، امری متغیر است و همواره در طول تاریخ بر حسب هنجارهای فرهنگی جوامع تعاریف مختلفی از جرم ارائه گردیده است. «مفهوم حقوقی و قضایی جرم عبارت است از رفتاری مخالف نظم اجتماعی که قانون آن را پیش‌بینی و مستوجب کیفر دانسته و اعمال یک مجازات یا اقدام تأمینی را نسبت به مرتکب آن تجویز کرده است» (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۲۵). «تعریف قانونی و رسمی<sup>۳</sup> جرم، بیانگر این نکته است که آنچه را دولت جرم بشناسد، جرم است. این تعریف، عملی را جرم محسوب می‌کند که در قوانین جزایی بدان اشاره شده و در قالب تعیین کیفری<sup>۴</sup> خاص در ازای آن، مشمول ضمانت اجراهای<sup>۵</sup> دولتی قرار گرفته است» (وابت، ۱۳۹۲: ۴۲). طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود.

#### ب. مفهوم‌شناسی پیشگیری اجتماعی

لغت پیشگیری «Prevention» در منابع فارسی به معنای دفع، جلوگیری، از پیش مانع شدن و مانع گشتن به کار رفته است. این واژه در فرهنگ لغت انگلیسی «رندم هوس» (Random Hous) مانع شدن از اینکه چیزی رخ دهد، معنا گردیده است. «مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرائم» در تعریف این واژه عنوان می‌کند: «هر عملی که باعث کاهش بزهکاری، خشونت، ناامنی از طریق مشخص کردن و حل کردن عوامل ایجادکننده این مشکلات به روش

علمی شود، پیشگیری از جرائم است. ریموند گسن، جرم‌شناس، معتقد است که مراد از پیشگیری هر فعالیت سیاست‌جنایی<sup>۶</sup> است که غرض انحصاری و غیر کلی آن، تحدید حدود امکان پیش آمد مجموعه اعمال جنایی از راه غیر ممکن‌الوقوع ساختن یا دشوار نمودن یا احتمال آن را پایین آوردن است؛ بدون آنکه به تهدید کیفر یا اجرای آن متوسل شوند. به دیگر سخن، هر رویه‌ای را که اعمال شود و نتیجه آن نشان دهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده است، می‌توان پیشگیری دانست. به طور کلی هدف پیشگیری، کاهش شیوع و کم کردن طول مدت آن از یک رخداد است.

پیشگیری از جرم اقسام گوناگونی دارد و در یک تقسیم‌بندی کلی به پیشگیری کیفری و غیر کیفری منقسم می‌گردد. پیشگیری کیفری عمدتاً ماهیت کیفری دارد و برعهده قوه قضائیه است. اقدامات پیشگیرانه از جرم یا جرم‌انگاری رفتارها و کیفر دادن مرتکبان این رفتارهای مجرمانه و اغلب در راستای پیشگیری از تکرار جرم انجام می‌گیرد. پیشگیری غیر کیفری شامل تدابیری است که ماهیت غیر کیفری دارند و بیشتر در راستای پیشگیری از بزه و نه تکرار آن اتخاذ می‌شوند. پیشگیری اجتماعی از جدیدترین طبقه‌بندی انواع پیشگیری غیر کیفری است. اقداماتی را شامل می‌شود که در صدد تأثیرگذاری بر عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم‌اند و عمدتاً بر تغییر محیط‌های اجتماعی و انگیزه‌های مجرمانه متمرکز می‌شود. در پیشگیری اجتماعی، تأکید و تمرکز بر عوامل اجتماعی مؤثر در تکوین جرم است. این پیشگیری می‌کوشد با دست‌کاری و تغییر محیط و عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره، ریشه‌های جرم را بکشاند. مدل پیشگیری اجتماعی تأکید زیادی بر «دلایل ریشه‌ای» جرم دارد (نعمتی، ۱۳۹۱: ۶).

پیشگیری اجتماعی به دو قسمت پیشگیری اجتماعی رشدمدار و پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار تقسیم می‌شود. پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار در تلاش است که با اتخاذ تدابیر و اقدامات مناسب برای از بین بردن یا کاهش عوامل جرم‌زا بر محیط اجتماعی و عمومی اثرگذارد؛ مثل ایجاد مکان‌های تفریحی یا احداث فضای سبز و نظایر این‌ها، اما پیشگیری اجتماعی رشدمدار به دنبال آن است که با شناسایی عوامل خطر، تقویت حمایتی و مداخله زودرس، به ویژه درباره اطفال و نوجوانان، از ارتکاب بزهکاری پیشگیری کند (کاریو، ۱۳۸۱: ۵۴). به عبارت دیگر، در پیشگیری اجتماعی نقش خانواده، آموزش، وسایل ارتباط جمعی و سیاست‌های کلی اجتماعی بسیار اهمیت دارد (مظفرزاده، ۱۳۹۱: ۱۱۰). بنابراین، پیشگیری اجتماعی از جرم از نتایج پیشگیری فردی یعنی اقدام‌های اصلاحی-درمانی نیز استفاده نموده است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۰: ۹۹).

از جمله ابزارهایی که می‌تواند در پیشگیری اجتماعی از جرائم نقش بسزایی ایفا کند، گسترش «تربیت‌بدنی و ورزش» در سطوح مختلف جامعه است

## تبیین نقش بازدارنده ورزش از بزهکاری

پدیده جنایی و در ابعاد گسترده آن، بزهکاری علل و عوامل گوناگونی دارد. در آموزه‌های جرم‌شناختی، دلایل ارتکاب جرائم به صورت نظریه‌های گوناگونی ارائه گردیده است که با مذاقه در این نظریه‌ها و توجه به علل تکوین جرائم اثبات می‌شود که در کنار دیگر ابزارهای سیاست جنایی- از قبیل تدوین قوانین کیفری و ضمانت اجراهای مدنی و جزایی- می‌توان به کاهش نرخ جرائم در جامعه از طریق ابزارهای اجتماعی چون ورزش و تربیت‌بدنی دست یافت. به عبارت دیگر، «کارکرد اجتماعی تربیت‌بدنی و ورزش در توسعه و تحکیم روابط انسانی، کارکردی زیربنایی و بنیادی است که در کل ساختار جامعه و روابط موجود بین اقشار و آحاد اجتماعی تأثیرات قابل توجهی می‌گذارد. (آقاپور، ۱۳۶۸: ۲). در ادامه به برخی از مهم‌ترین دلایل نقش بازدارنده ورزش از جرائم با تأکید بر نظریات جرم‌شناختی اشاره می‌گردد.

## - نقش ورزش در کاهش تنش‌های اجتماعی و تعامل با نظریه فشار

نظریه فشار (strain theory) که «تئوری آنومی» یا «نظریه فشار ساختاری» هم نامیده می‌شود، رفتارهای انحرافی را نتیجه تنگناهای جامعه می‌داند که برخی از مردم را وادار به کج‌روی می‌کند. رابرت مرتن، جامعه‌شناس آمریکایی، پس از «امیل دورکیم»، نظریه فشار ساختاری خود را بر پایه نظریه بی‌هنجاری او تعمیم داد. مرتن آنومی یا بی‌هنجاری را به شرایطی اطلاق می‌کند که هنجارهای جامعه با واقعیت‌های زندگی در تطابق نیست. در واقع، این نظریه، انحراف را نتیجه تنگناهای ساختاری می‌داند که مردم را تحت مضمیق قرار می‌دهد (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۲۹). طبق نظریه فشار، علت اصلی جرم را باید گسست اجتماعی یا فرایندهایی اجتماعی به حساب آورد که نشان‌دهنده وجود نوعی فشار اجتماعی در درون جامعه است. کانون عمده تحلیل در این نظریه بر فشارهایی متمرکز است که با فرصت‌های ساختاری و فرایندهای فرهنگی پیوند دارد. به عبارت دیگر، علت جرم را می‌توان در ناکافی یا نامناسب بودن ابزارها یا فرصت‌های دستیابی به برخی هدف‌ها دید. در واقع نظریه فشار، واکنش مناسب در برابر جرم را از نوع افزایش فرصت‌ها می‌داند؛ یعنی تدبیری که با هدف کاهش فشارهای اجتماعی صورت می‌گیرد و می‌تواند در قالب‌های گوناگونی مانند برنامه‌های آموزشی و برنامه‌های تفریح و سرگرمی برای افراد و گروه‌های مختلف انجام پذیرد. لذا از نظر پیشگیری از جرم، نظریه فشار از اقداماتی پشتیبانی می‌کند که هدف آن‌ها گسترش فرصت‌های اجتماعی و ترویج فعالیت‌های سالم در میان گروه‌هاست. (وایت، ۱۳۹۲: ۱۴۵-۱۴۴). بنابراین، با استعاره گرفتن از نظریه فشار- که از نظریات مطرح جرم‌شناسی تلقی می‌گردد-

با استعاره گرفتن از نظریه فشار- که از نظریات مطرح جرم‌شناسی تلقی می‌گردد- می‌توان با ایجاد و گسترش فعالیت‌ها و تفریحات سالم و از رهگذر ورزش و تربیت‌بدنی، به تضعیف فشارهای روانی و روحی کمک کرد

می‌توان با ایجاد و گسترش فعالیت‌ها و تفریحات سالم و از رهگذر ورزش و تربیت‌بدنی، به تضعیف فشارهای روانی و روحی کمک کرد و از تنش‌های اجتماعی و حادث‌ترین نوع آن یعنی بزهکاری و ناهنجاری پیشگیری نمود.

## - تعامل امر ورزش با یافته‌های نظریه کنترل اجتماعی

طبق نظریه کنترل اجتماعی، افرادی که به گروه‌های اجتماعی همانند خانواده، مدرسه و همسالان سخت وابسته‌اند، کمتر احتمال دارد که مرتکب اعمال بزهکارانه شوند. مهم‌ترین عناصر بستگی اجتماعی از منظر این نظریه عبارت‌اند از «وابستگی، پایبندی و در آمیختگی». تأکید متغیر در آمیختگی بر مشاهده این باور همگانی استوار است که مشغول بودن، فرصت فعالیت‌های بزهکارانه را محدود می‌کند (ولد، ۱۳۸۰: ۲۸۳). به زعم تراویس هیرشی، که نظریه «کنترل و تقیید اجتماعی» را ارائه نمود، گسستگی پیوند فرد با اجتماع موجب گسترش بزهکاری می‌گردد. وی معتقد است پیوند اجتماعی از چهار مؤلفه اساسی تشکیل شده است که از جمله آن‌ها «تعهد»<sup>۶</sup> به معنای صرف وقت و انرژی در فعالیت‌هایی مانند عضویت در باشگاه‌های ورزشی و «درگیر بودن»<sup>۸</sup> یا انواعی از الگوهای زیستی، که شکل‌دهنده انواع فرصت‌های آتی و درازمدت برای فرد هستند؛ یعنی سرگرم بودن جوانان به امور متعارف همانند تربیت بدنی و ورزش، از میزان قرار گرفتن آنان در معرض فرصت‌های نامتعارف و بزهکارانه می‌کاهد. طبق این نظریه، احتمال بزهکار شدن جوانانی که به والدین، مدرسه و باشگاه‌های ورزشی و نهادهای تفریحی سالم و سایر منابع کنترل اجتماعی دل‌بستگی دارند، کم است. بنابراین، درگیر ساختن نوجوانان و جوانان در فعالیت‌های سازنده‌ای چون ورزش و فراهم نمودن عدالت توزیعی امکانات ورزشی در حوزه سیاست‌گذاری از دیدگاه کارورزانه در پیشگیری از جرائم نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

## - همسوگری نتایج تربیت‌بدنی با تئوری معاشرت‌های افتراقی

طبق نظریه معاشرت‌های ترجیحی یا افتراقی (Differential Association) که توسط ادوین ساترلند ارائه گشته است و نیز نظریه «قانون تقلید» گابریل تارد، رفتار جنایی، پدیده‌های اکتسابی و آموختنی است و به عبارت دیگر، ارثی نیست (ولد، ۱۳۸۰: ۲۵۸-۲۵۱). این یادگیری در تعامل و ارتباط با دیگران، به ویژه در داخل گروه‌های صمیمی و دوستانه، کسب می‌شود. براساس این دو نظریه، بزهکاری نیز به عنوان یک رفتار خلاف هنجار از طریق تقلید و یادگیری گسترش می‌یابد و هم‌نشینی با گروه‌ها و حاملان ناهنجاری‌ها و رفتارهای مجرمانه می‌تواند

به گسترش جرائم در جامعه منجر شود. «نظریهٔ معاشرت‌های افتراقی این یافته‌ها را تأیید می‌کند که بزهکاری جوانان در صورتی بیشتر خواهد بود که تماس با محیط و الگوهای عرفی، ضعیف و دسترسی به محیط و الگوهای انحرافی قوی باشد (مظفرزاده، ۱۳۹۱: ۴۵۱). با عنایت به مراتب گفته شده، با اتخاذ تدابیری مبتنی بر ترویج فرهنگ ورزش و تربیت مربیان و دست‌اندرکارانی که علاوه بر فنون ورزشی به گسترش فرهنگ اخلاقی نیز همت گمارند و ایجاد امکانات یکسان برای تمامی افراد جامعه در بهره‌برداری از امکانات تفریحی و ورزشی، می‌توان ضمن درگیر کردن جوانان با فعالیت‌های سازندهٔ بدنی، از هم‌نشینی آنان با گروه‌های مستعد بزهکاری ممانعت و پیشگیری کرد و در نتیجه، به کاهش نرخ جرائم کمک نمود.

### – تأثیر ورزش بر سائق‌های روانی و تعامل با تئوری ناکامی – پرخاشگری

تئوری ناکامی – پرخاشگری مبتنی بر مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری است که پرخاشگری را به طور عمده ملهم از یک سائق بیرونی برای آسیب وارد کردن به دیگران در نظر می‌گیرد. این رهیافت در چند تئوری مختلف منعکس شده است که جملگی بر این باورند که شرایط بیرونی مانند ناکامی، فقدان وجهه و احساس اجحاف، سائق‌ی نیرومند برای ایجاد رفتار آسیب‌زا محسوب می‌شود. پذیرفته شده‌ترین تئوری در این مجموعه تئوری مرسوم به ناکامی – پرخاشگری است. در این تئوری، پرخاشگری برآیند فرایندی در نظر گرفته می‌شود که در خلال آن افراد از دستیابی به هدف یا اهداف خویش باز می‌مانند و احساس ناکامی در آن‌ها شکل می‌گیرد. ناکامی حاصل از چنین فرایندی، در نهایت سبب بروز حرکات و رفتارهای پرخاش‌جویانه و خشونت‌آمیز بین افراد می‌گردد. مهم‌ترین هدف یا اهدافی که به عنوان محور آسیب مورد توجه قرار می‌گیرند، منبع یا منابع ناکامی هستند. تئوری ناکامی – پرخاشگری از یک سو، ناکامی را موجد انگیزه‌های پرخاش‌جویانه و پرخاش‌گرایانه می‌داند و از دیگر سو، ریشهٔ هر گونه پرخاشگری را در عوامل پیشین موجد ناکامی جست‌وجو می‌کند. در آغاز، نظریه‌پردازان این تئوری عنوان می‌کردند که ناکامی همواره به نوعی پرخاشگری منجر می‌گردد و پرخاشگری نیز به نوبهٔ خود نتیجه و حاصل نوعی ناکامی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳۷). پژوهش‌هایی که تأثیرات پرخاشگری را بررسی کرده‌اند، نشان داده‌اند که تحمّل شرایط مسئله‌زایی که نوجوانان، خواه ناخواه با آن روبه‌رو می‌شوند، پیامدهای روانی و جسمانی زبان‌آوری چون اضطراب و افسردگی، اختلال‌های تن و روان، پاسخ‌های نامطلوب مانند مصرف مواد مخدر و تحریف واقعیت را برای آن‌ها به بار می‌آورد.

بی‌شک، چنین پیامدهایی میزان آسیب‌پذیری فرد را به گونه‌ای فزاینده افزایش می‌دهد که این نیز خود، برای نظام‌های بین فردی و اجتماعی پیامدهایی چون در فاصله ماندن یا منحرف شدن از ایفای نقش بهنجار دارد (شریفی در آمدی، ۱۳۸۴: ۴۲-۴۰). بنابراین، ناکامی می‌تواند منجر به رفتارهای پرخاشگرانه شود و خشونت و رفتارهای تهاجمی می‌تواند زمینه‌ساز بزهکاری باشد. از این رو با فراهم نمودن امکانات ورزشی برای اقشار جامعه، می‌توان ضمن ایجاد پیوند و علقهٔ اجتماعی و جلب مشارکت‌های همسالان و اقدامات حمایتی و تشویقی به کنترل رفتارهای تهاجمی و پرخاش‌گرایانهٔ جوانان کمک نمود. «همچنین طبق آموزه‌های جرم‌شناختی، یکی از عواملی که زمینه‌ساز گسترش جرائم می‌گردد، بیکاری و بطالت است» (نعمتی، ۱۳۹۱: ۵۰). پرواضح است که بطالت و بیکاری افراد علاوه بر تحلیل بردن همیت و تضعیف روحیهٔ سرزنده انسان‌ها می‌تواند موجبات گرایش به کج‌رفتاری و نابهنجاری را فراهم سازد. در مقابل، ورزش می‌تواند موجب درگیر شدن افراد در فعالیت‌های سالم و جلوگیری از خمودگی جسم و روح آنان و مانع از رفتارهای پرخطر اجتماعی‌شان شود.

### – نقش پیشگیرانهٔ تربیت بدنی و همسویی با نظریه‌های خرده فرهنگ بزهکاری

نظریات خرده فرهنگی، علل ارتکاب جرم را در شکل‌گیری خرده فرهنگ بزهکاری و هنجارهای مجرمانه جست‌وجو می‌نمایند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین نظریه‌های خرده فرهنگی اشاره می‌شود.

**نظریهٔ پسران بزهکار:** آلبرت. کی. کوهن<sup>۹</sup> (۱۹۵۵) بر منابع ساختاری فشار که منجر به سازواره‌های کژروانه توسط طبقهٔ پایین می‌شوند تأکید کرد ولی آن را در میان پسران نوجوان طبقهٔ پایین به کار برد. از دیدگاه کوهن به جای ناتوانی در نیل به موفقیت مادی، ناتوانی در به دست آوردن موقعیت و پذیرش در جامعه متعارف است که موجب فشار می‌شود (جوانمرد، ۱۳۸۹: ۱۱۴). وی از فرق‌گذاری کلاسیک میان جایگاه اکتسابی – که در رقابت با یک گروه به دست می‌آید – و جایگاه اسنادی – که به واسطهٔ نیک‌نهادی خانوادهٔ شخص حاصل می‌شود – بهره جست. از منظر وی، رقابت برای به دست آوردن جایگاه پابرجا معمولاً در مدرسه صورت می‌گیرد. جوانی که هیچ‌گونه جایگاه اسنادی ندارد و در رقابت برای به دست آوردن جایگاه اکتسابی نوعاً بازنده است، تحت فشار شدیدی قرار می‌گیرد که می‌تواند علیه ارزش‌های طبقهٔ متوسط طغیان کند (ولد، ۱۳۸۰: ۲۲۷). لذا کوهن مدعی است که خرده فرهنگ‌های شکل گرفته در میان جوانان را می‌توان حاصل تضاد موجود میان فرهنگ این

«طبق آموزه‌های جرم‌شناختی، یکی از عواملی که زمینه‌ساز گسترش جرائم می‌گردد، بیکاری و بطالت است»

طبقه و فرهنگ طبقه متوسط دانست. به بیان دیگر، او خرده فرهنگ‌های یادشده را نوعی نظام فرهنگی جایگزین به حساب می‌آورد؛ نظامی که شکل‌گیری و رشد آن محصول دو عامل است: نخست فرصت‌های فروبوسته بر جوانان و دیگر، عزت‌نفس پایینی که این افراد بدان دچارند. به نظر کوهن، این گروه به جای آنکه موفقیت را بر حسب معیارهای مرسوم بسنجد، نگاه خود را به اهدافی جایگزین می‌دوزد که مستقیماً و بیشتر با تجارب طبقاتی خود آنان ارتباط دارد. بدین ترتیب، کوهن دو پدیده جرم و بزه جوانان را به چشم رفتارهای جمعی می‌نگرد. رفتاری که با آروزها چشم‌داشت‌ها و تجربه‌های زیسته و مختلف مربوط به دو نوع دسته‌بندی طبقاتی متفاوت پیوند می‌خورد. لذا وی خرده فرهنگ بزهکاری را نشئت گرفته از تضاد فرهنگی توصیف می‌کند و این نظام فرهنگی جایگزین را محصول دو عامل فوق می‌داند. همچنین کلوارد و اوهلین بر این باورند که جرائم از محرومیت دسترسی به غایت‌های اجتماعی ناشی می‌گردد (وایت، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۶۱). با توجه به مباحث مذکور می‌توان اذعان داشت که با گسترش فعالیت‌های ورزشی و تربیت‌بدنی ضمن تضعیف خمودگی می‌توان به تقویت جایگاه اکتسابی افراد و افزایش اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس جوانان کمک نمود و بدین ترتیب، از درگیر شدن آنان در اعمال غیرقانونی و ناهنجار پیشگیری نمود.

**مهم‌ترین هدف  
یا اهدافی که  
به عنوان محور  
آسیب مورد  
توجه قرار  
می‌گیرند، منبع  
یا منابع ناکامی  
هستند**

**نظریه فرصت‌های ترجیحی:** ریچارد کلوارد<sup>۱۰</sup> و لوید اوهلین<sup>۱۱</sup> نظریه فرصت افتراقی یا ترجیحی را برای بزهکاری ارائه نمودند. از نظر آنان، نظریه بی‌هنجاری- فشار مرتون به‌طور نادرست بر این است که افراد طبقه پایین- که از دسترسی به فرصت‌های مشروع محروم‌اند- به‌طور خودکار به فرصت‌های نامشروع دسترسی دارند. در میان پسران نوجوان، محرومیت از وسیله‌های مشروع باعث ایجاد فشار به سوی فعالیت‌های بزهکارانه می‌شود ولی اینکه آن‌ها در کدام نوع از الگوهای بزهکاری دخیل خواهند شد، بستگی به این دارد که جامعه چه فرصت‌های نامشروعی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. به بیان دیگر، کلوارد و اوهلین مدعی بودند که ساختارهای نامشروع فرصت، در موقعیت‌هایی شکل می‌گیرد و رشد می‌یابد که افراد همچنان در طلب هدف‌های تعریف‌شده فرهنگی برمی‌آیند، اما فرصت‌های مشروع یا از آنان دریغ می‌شود و یا اینکه اصولاً وجود ندارد. در واقع، همه طبقات اجتماعی هدف‌های اولیه و یکسان فرهنگی دارند اما برخی از افراد از دسترسی به این غایت‌های مطلوب اجتماعی محروم می‌مانند. این نکته بدین معناست که از نگاه آن دو، جرم طبیعی به راستی جمعی دارد و فرد آن را از همسالان خود فرا می‌گیرد (وایت، ۱۳۹۲: ۱۶۱). بنابر آموزه‌های فوق باید اذعان داشت که با توزیع عادلانه مراکز تفریحی و ورزشی در نقاط مختلف شهرها و روستاها، می‌توان فرصت‌های مشروع در دسترس را برای جوانان و نوجوانان افزایش داد و از سقوط آنان در کج‌زوی و بزهکاری جلوگیری کرد. نظریه علائق کانونی: والت. بی. میلر<sup>۱۲</sup> نیز بر بزهکاری باندهای مردان طبقه پایین یا به اصطلاح گروه‌های گوشه خیابان در محله‌های محروم اقتصادی تمرکز کرد. میلر نیز با نظریه‌پردازان بی‌هنجاری- فشار موافق بود که ارتکاب رفتار بزهکارانه با انگیزه تلاش برای به دست آوردن اهداف مطلوب صورت می‌گیرد ولی اعتقاد داشت که رفتار بزهکارانه یک سازگاری جوانانه با فرهنگ متمایز طبقه پایین است. بزهکاری یک راه به دست آوردن پذیرش براساس انتظارات این خرده فرهنگ طبقه پایین است. (وایت، ۱۳۹۲: ۱۱۸) با گسترش فرهنگ ورزش همگانی در میان تمامی اقشار جامعه و افزایش تعداد مراکز مختلف ورزشی کم‌هزینه و یا رایگان، می‌توان علائق کانونی و فرهنگی افراد را تغییر داد و آن‌ها را به سوی فعالیت‌های سالم و سازنده کشاند و بدین ترتیب، از میزان ناهنجاری‌های اخلاقی به میزان در خور توجهی کاست. همچنین در نظریات فوق، یکی از مهم‌ترین علل ارتکاب جرائم، محرومیت از فرصت‌ها و عزت‌نفس پایین افراد عنوان شده است. از این‌رو در پیشگیری اجتماعی جرم، با استناد به مباحث مذکور می‌توان اذعان داشت که با ایجاد فرصت‌های برابر اجتماعی و نیز ترویج



## نتیجه‌گیری

ورزش به تقویت عزت‌نفس افراد، افزایش کرامت درونی انسان‌ها، گرایش جوانان به گروه‌های سالم ورزشی، تضعیف خرده فرهنگ بزهکارانه و جایگزینی ارزش‌های اجتماعی با الگوهای مجرمانه، کمک شده و از افزایش بزهکاری جلوگیری می‌شود.

**نظریه سرگردانی و تردید:** دیوید ماتزا<sup>۱۳</sup> علت بزهکاری را حالت «سردگانی و تردید»<sup>۱۴</sup> نسبت به ارزش‌های اجتماعی می‌داند؛ با این توضیح که طرفداران نظریه «خرده فرهنگ بزهکاری» مدعی‌اند که جوان بزهکار دارای مجموعه‌ای از ارزش‌ها و عقاید است که موافق کج‌رفتاری است، اما ماتزا معتقد است که جوان به ارزش‌های بزهکارانه کاملاً دل نمی‌بندد بلکه نسبت به ارزش‌های دو گروه موافق قانون و مخالف قانون، حالتی میانه دارد و سرانجام این تردید و سردگانی وی را به رفتارهای بزهکارانه سوق می‌دهد. به عبارت دیگر، «فرد بزهکار در برزخی میان اعمال قراردادی (مشروع) و اعمال غیر قراردادی (جرائم) سرگردان است و به تناوب، به مقتضیات هر یک پاسخ می‌دهد؛ گاه به سمت یکی گرایش پیدا می‌کند و گاه به سمت دیگری، ولی به هیچ‌یک پایبندی ندارد و از تصمیم‌گیری می‌گریزد» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). با این وصف، دیوید ماتزا نیز معتقد است که خرده فرهنگ بزهکاری از گونه‌هایی خاص از ارزش‌های زیرزمینی<sup>۱۵</sup> شکل می‌گیرد؛ ارزش‌هایی از قبیل خطرپذیری، ماجراجویی، سرگرمی و تفریح ناسالم؛ ارزش‌هایی که بخشی از جامعه متعارف را تشکیل می‌دهند اما گاه در عمل به آن‌ها، بیش از حد زیاده‌روی می‌شود. در نگاه ماتزا، واکنش جوانان و نوجوانان در پاسخ به محدود بودن امکان دسترسی به فرصت‌ها، متوسل شدن به گونه‌هایی از «هیجان خودساخته»<sup>۱۶</sup> است که ممکن است به شکل رفتار مجرمانه بروز یابد (وایت، ۱۳۹۲: ۱۶۲-۱۶۱). پرواضح است که اکثریت قریب به اتفاق جوانان به ورزش و تربیت‌بدنی رغبت نشان می‌دهند؛ لذا با توجه به علاقه‌مندی جوانان به ورزش می‌توان ضمن برخورداری جامعه از افراد سالم از نظر فیزیکی و بهداشت جسمانی با به‌کارگیری مریبان با اخلاق و روانشناسان و حتی جرم‌شناسان در کادر باشگاه‌ها به تربیت روحی و تزکیه اخلاقی جوانان مبادرت ورزید. همچنین، گسترش فرهنگ ورزش همگانی موجب تقویت ارزش‌های ورزشی مثبت و هنجارهای اجتماعی می‌شود و به کم‌رنگ شدن حذف ضدازش‌های کج‌روانه منتهی می‌گردد. بنابراین، نهادهای ورزشی علاوه بر نقش صرف ورزشی می‌بایست به تربیت جوانان متعهد و شایسته نیز همت گمارند و رسالت‌های اخلاقی را بیش از پیش در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند.

امروزه جرائم از آسیب‌های اجتماعی انکارناپذیر همه جوامع تلقی می‌گردند. بزهکاری به عنوان یک پدیده نامطلوب اجتماعی علل و عواملی دارد که با شناخت دقیق و علمی آن‌ها می‌توان تا اندازه‌ای به کنترل این پدیده مبادرت ورزید. از این‌رو، پیشگیری از بزهکاری و به ویژه شکل نوین آن - یعنی پیشگیری اجتماعی از جرم - دارای کاربردهای فراوانی در سیاست جنایی هر جامعه و رهیافتی کم هزینه و عقلانی در تحدید ریشه‌ای جرایم به شمار می‌آید. پیشگیری اجتماعی از جرم از ابزارهای گوناگونی برای کاهش جرائم استفاده می‌کند و یکی از ابزارهای مهم آن را می‌توان برنامه‌های ورزشی و تربیت‌بدنی دانست. طبق نظریات رایج جرم‌شناختی، از جمله دلایل ارتکاب جرائم گسستگی پیوند اجتماعی فرد با جامعه، فشارهای روانی، محرومیت، فرصت‌های ناعادلانه، بی‌کاری و بطالت، ناکامی و سرخوردگی، گرایش به گروه‌های مستعد بزهکاری، الگوپذیری از خرده فرهنگ مجرمانه و معاشرت با افراد هنجارشکن و خاطی است. با گسترش ورزش در جامعه می‌توان به تحکیم پیوندهای اجتماعی افراد با جامعه، کاستن از فشارهای روحی، درگیر نمودن جوانان با فعالیت‌های سازنده و مفید، حذف هم‌نشینی با حاملان ناهنجاری، پربارتر نمودن اوقات فراغت، اجتناب از خمودگی و بطالت، ارائه الگوهای موفق و ارزش‌های اجتماعی، تقویت عزت‌نفس و کرامت انسان‌ها، کنترل و جهت‌دهی هیجان‌ها به فعالیت‌های مثبت، حذف گروه‌های بزهکارانه و کنترل رفتارهای پرخطرگانه و در نهایت، کاستن از نرخ جرائم و تضمین امنیت اجتماعی - قضایی مبادرت ورزید. با توجه به مطالب مطرح شده، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که نهاد ورزش یکی از ارکان زیربنایی هر اجتماعی است که علاوه بر تربیت قوای جسمانی و فیزیکی، می‌تواند در ابعاد اجتماعی و جامعه‌شناسی جنایی و به ویژه در راستای پیشگیری از جرائم و ناهنجاری‌ها، نقش مفید و ارزنده‌ای ایفا نماید. بنابراین، تخصیص منابع و امکانات گسترده‌تر در ترویج فرهنگ ورزش و توزیع عادلانه امکانات و برنامه‌های ورزشی نسبت به افشار مختلف جامعه و به ویژه نوجوانان و جوانان در تمامی نقاط کشور الزامی و اجتناب‌ناپذیر است تا بدین طریق بتوان به کاهش میزان جرائم و بزهکاری در جامعه و پیشگیری اجتماعی از کج‌روی کمک کرد.

## بی‌نوشت‌ها

### ۲. در باب تعلیمی

1. desnormes

3. Legal formal

4. penalty

5. sanction

۶. سیاست جنایی «criminal policy» عبارتست از مجموعه تدابیر، اقدام‌ها، شیوه‌ها و ابزارهای کیفری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که قانون‌گذار در چارچوب قوانین و مقررات به منظور پیشگیری از پدیده مجرمانه (بزه و انحراف) و مبارزه با آن در اختیار مقامات ذی‌ربط دولتی و اجتماعی قرار می‌دهد. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۳۴).

7. Commitment

8. involvement

9. Albert k. cohen

10. Richard Cloward

11. Loyd Ohlin

12. Walter B. Miller

13. david matza

14. Drift

15. subterranean values

16. manufactured excitement

## منابع

۱. آقابوز، مهدی. (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی ورزشی. تهران: سازمان تربیت‌بدنی جمهوری اسلامی ایران، دفتر تحقیقات و آموزش.
۲. جوانمرد، بهروز. (۱۳۸۹). نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌هنجاری و فشار. نشریه تعالی حقوق، سال ۳، ش ۱۲.
۳. حسینی، محمد (۱۳۹۳). سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
۴. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱). بزهدید در فرایند کیفری. تهران: انتشارات خط سوم.
۵. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
۶. شریفی درامدی، پرویز (۱۳۸۴). تأثیر شناخت درمانگری حرمت خود بر میزان پرخطرگری نوجوانان بزهدیده، اندیشه‌های نوین تربیتی، نشریه دانشگاه الزهراء، دوره ۱۵، ش ۲ و ۳.
۷. کاربو، روبر (۱۳۸۱). مداخله روان‌شناسی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، مترجم: علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۵ و ۳۶.
۸. کلارکسون، سی. ام (۱۳۷۴). تحلیل مبانی حقوق جزا مترجم: حسین میرمحمد صادقی. اصفهان: جهاد دانشگاهی.
۹. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۲). وندالیسم. تهران: انتشارات آن.
۱۰. مظفری‌زاده، سجاد (۱۳۹۱). ترمینولوژی جرم‌شناسی. تهران: شرکت نشر بهینه فراگیر.
۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشمی‌بیگی، حمید (۱۳۹۰). دانشنامه جرم‌شناسی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۲. نعمتی، لیلا (۱۳۹۱). تحلیل جرم‌شناختی پیشگیری از بزهدیدگی و بزهکاری در بازار. مدرسه حقوق. نشریه کانون وکلای دادگستری اصفهان، سال هفتم، شماره ۷۳.
۱۳. نعمتی، لیلا (۱۳۹۱). راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم. تهران: روزنامه رسالت، سال بیست‌وهفتم، شماره ۷۷۵۲۲.
۱۴. وایت، راب؛ هینز، فیونا (۱۳۹۲). جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. ولد، جورج؛ برنارد، توماس (۱۳۸۰). جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی). مترجم: علی شجاعی. تهران: سمت.